



سیاست خارجی ترکیه در عصر عدم اطمینان

Stephen Larravee & Ian O.Lesser, Turkish Foreign Policy in an Age of Uncertainty, RAND, 2003, 217pp.

مقدمه

مورد بازنگری قرار داده و در سیاست خارجی خود، تجدیدنظرهایی را اعمال می‌نمایند.

ترکیه به عنوان قدرتی منطقه‌ای در زمره کشورهای است که به واسطه تغییرات ایجاد شده؛ در حوزه روابط خارجی خود دچار تناقضات و چالش‌هایی شده است. کتاب سیاست خارجی ترکیه در عصر عدم اطمینان نیز با عنایت به مطلب مذکور به نگارش درآمده که در ادامه به معرفی آن پرداخته می‌شود.

در عصری که علت و ابعاد تحولات رو به تزايد است؛ عدم اطمینان را می‌توان یکی از ویژگی‌های آن دانست. فروپاشی نظام دوقطبی و حوادث ۱۱ سپتامبر به مثابه تحولاتی ژئوپلیتیکی، آثار راهبردی فراوانی را در برداشتند. تغییر نرخ ژئوپلیتیکی کشورها و مناطق مختلف، از جمله بارزترین ایسن آثار به شمار می‌آید. بدیهی است که چنین تغییراتی منجر به تحول در رویکرد خارجی بعضی از کشورها می‌شود. در واقع، دولت‌ها در راستای تحولات رخ داده؛ منافع خود را

الف. معرفی کتاب

کتاب «سیاست خارجی ترکیه در عصر عدم اطمینان» در هشت فصل ساماندهی شده است. فصل اول کتاب که در واقع مقدمه آن نیز محسوب می‌شود؛ به بررسی موضوعاتی نظیر نقش منطقه‌ای، محوری و بعد فراملی ترکیه و همچنین تحولات داخلی این کشور می‌پردازد. در فصل دوم، تحول داخلی در قالب مباحثی همچون بحران‌های سیاسی و اقتصادی، تغییر نقش نظامیان، ظهور بازیگران جدید در معادلات سیاسی، افزایش اهمیت افکار عمومی و رسانه‌ها، نقش اسلام‌گرایی و ملی‌گرایی در هویت ترکی، رابطه ثبات داخلی و ظرفیت‌های سیاست خارجی ترکیه مورد بحث قرار گرفته است. فصل سوم کتاب، روابط ترکیه با اروپا را در چارچوب محورهایی نظیر مسئله اکراد، نقش آمریکا در این رابطه، همکاری‌های امنیتی - دفاعی آنکارا - واشنگتن، تأثیر موضوع یونان و قبرس در روابط ترکیه و اروپا، ضرورت

کنترل مدنی نظامیان، نقش اسلام و رعایت حقوق بشر و دموکراسی در تعاملات دوجانبه و موضوع پیوستن این کشور به اتحادیه اروپایی مورد بررسی قرار داده است.

موضوع فصل چهارم کتاب مذکور، بررسی روابط ترکیه با یونان و دولت‌های حوزه بالکان می‌باشد. منازعه قبرس، مشکلات تاریخی ترکیه با این منطقه، چشم‌انداز حل و فصل مشکلات، هندسه جدید منطقه‌ای، نقش آمریکا در این روابط و تأثیر عوامل داخلی، از مهم‌ترین موضوعات این فصل به شمار می‌روند.

در فصل پنجم، به سیاست‌ها و دیدگاه‌های ترکیه در اوراسیا پرداخته شده است. در این باره، موضوعاتی همچون تحول بسترهای راهبردی مؤثر در این خط‌مشی‌ها، افزایش منافع راهبردی ترکیه در قفقاز، نقش انرژی در این سیاست‌ها، همکاری‌های راهبردی ترکیه با آمریکا در اوراسیا، تأثیرگذاری ایران و روسیه در

آنکارا - واشنگتن، اهم مطالب این فصل را تشکیل می‌دهد.

در فصل هشتم که نتیجه‌گیری مباحث مطروحه می‌باشد؛ به این سؤالات پرداخته شده که ترکیه به کجا خواهد رفت؟ ترکیه چگونه عمل خواهد کرد؟ جایگاه ترکیه در یک دنیای جهانی شده کجاست؟ و پیامدهای سیاست‌های ترکیه برای شرکای غربی این کشور چیست؟

ب. بررسی کتاب

مطابق مندرجات کتاب، ترکیه در آستانه ورود به قرن ۲۱ در عرصه داخلی و بین‌المللی، خود را با محیطی متزلزل مواجه می‌بیند. این عدم اطمینان که متوجه آینده این کشور و خط‌مشی خارجی آن می‌باشد؛ تا حد زیادی نتیجه بحران‌های اقتصادی ترکیه، بی‌ثباتی سیاسی و ناآرامی‌ها در مناطق همجوار و چالش‌ها در مناطق دوردست است. از این‌رو، فهم و

دیدگاه‌های آنکارا، همکاری‌های ترکیه با اسرائیل، همکاری‌های اقتصادی در دریای سیاه، تأثیر شرایط داخلی بر سیاست خارجی ترکیه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. فصل ششم، سیاست این کشور در قبال خاورمیانه و منطقه مدیترانه را تبیین می‌کند. روابط راهبردی ترکیه با اسرائیل، خط‌مشی‌های آنکارا در قبال شمال عراق، تعاملات ترکیه با سوریه، زمینه‌های ایجاد شده از سوی کشورهای غربی برای اجرای سیاست منطقه‌ای ترکیه، اصطکاک منافع با ایران، سیاست ترکیه در جنگ خلیج‌فارس و تحولات بعد از آن، اهم مباحث این بخش از کتاب را تشکیل داده است.

فصل هفتم کتاب، به بررسی روابط ترکیه با ایالات متحده می‌پردازد. مباحثی نظیر منشأ روابط راهبردی ترکیه - آمریکا، تأثیر جنگ خلیج‌فارس بر توسعه روابط دو جانبه، منافع دو طرف، تحولات در برداشت‌ها و تصورات

می‌شود این رقم در اواسط قرن ۲۱ به حدود ۱۱۰ میلیون نفر برسد.

ترکیه در دهه گذشته هم از نظر نظامی و هم دیپلماسی یک بازیگر مهم منطقه‌ای بوده است. افزایش نقش این کشور در امور خاورمیانه، ناشی از تغییر سیاست خارجی آنکارا است. موضوع حائز اهمیت دیگر، پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی است که علی‌رغم برخی رفرم‌های مهم نظیر لغو مجازات اعدام و نیز رفع محدودیت‌ها در استفاده از زبان کردی، هنوز به دلیل مشکلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امکان‌پذیر نشده است. این مسئله، هویت ترکی را در وضعیتی معماگونه قرار داده است (با توجه به این مطلب که ترکها خود را دارای هویتی غربی - اروپایی تعریف می‌نمایند).

از سوی دیگر پایان جنگ سرد، افق‌های جدیدی را برای خط مشی ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز گشوده است. ترکیه در شرایط فعلی، منافع در منطقه دارد که در دوران جنگ سرد

ارزیابی نقش بین‌المللی ترکیه پیچیده و مشکل خواهد بود.

از منظر تاریخی، در خلال جنگ سرد، ترکیه به عنوان مانعی در برابر گسترش نفوذ شوروی (سابق)، به مدیترانه شرقی و خاورمیانه ایفای نقش می‌نمود. با پایان نظام دو قطبی، افق‌های سیاسی آنکارا توسعه یافت و ترکیه به بازیگری مستقل در عرصه بین‌المللی مبدل شد.

این کشور، منافع و خط مشی‌های امنیتی - خارجی خود را مورد بازتعریف قرار داده و در روابط بین‌المللی خود بازنگری کرده است. ترکیه، به لحاظ جغرافیایی دارای اهمیت ویژه‌ای است. این کشور در تقاطع سه منطقه مهم راهبردی (خاورمیانه، بالکان و دریای خزر) قرار گرفته است. نظر به چنین موقعیتی، آنکارا برای اروپا و آمریکا حائز اهمیت فراوان است. جمعیت ترکیه، حدود ۶۸ میلیون نفر است که در اروپا بعد از آلمان رتبه دوم را دارد. پیش‌بینی

زیست، رفع تروریسم و موضوعات امنیتی غیرسستی حل و فصل شده است. در بالکان، سیاست ترکیه دچار یک دگرگونی دائمی است. هرچند با فروپاشی امپراطوری عثمانی، ترکیه از بالکان بیرون رانده شد؛ ولی با پایان جنگ سرد، منافع آنکارا در منطقه احیاء شده و در نتیجه روابط خود را با آلبانی، مقدونیه و بلغارستان به طور قابل ملاحظه‌ای بهبود بخشیده است. ترکیه، به طور مؤثری در برقراری صلح و ایجاد ثبات در بوسنی و کوزوو ایفای نقش کرده است؛ اما حمایت ترکیه از مسلمانان در بوسنی و برخی مناطق دیگر این نگرانی را در بین اروپاییان به خصوص یونان ایجاد کرده که شاید آن کشور قصد دارد با کارت مسلمانان بازی کند.

روابط ترکیه با آمریکا نیز دستخوش تحوّل مهمی شده و با توجّه به مشارکت و نقش آفرینی این کشور در تحولات بالکان، قفقاز و خاورمیانه اهمیت راهبردی آنکارا در نگاه

مطرح نبود. منافع ترکیه و حضور در قفقاز و آسیای مرکزی، روابط این کشور را با روسیه پیچیده نموده و باعث احیای رقابت تاریخی بین دو کشور شده است. تفسیر روسیه از تلاش ترکیه برای گسترش نفوذ در منطقه، ایجاد جاسپای ژئواستراتژیکی می‌باشد. روسیه، حتی افزایش تعاملات اقتصادی ترکیه را نشانه‌ای از تمایل آنکارا برای نفوذ در اوراسیا تلقی می‌کند. روابط ترکیه با یونان شاهد عمیق‌ترین تحولات بوده است؛ به عبارتی بعد از سالها دشمنی، روابط دو کشور به تدریج و با استفاده از دیپلماسی زلزله، رو به بهبودی نهاد. ولی هنوز مشخص نیست که آیا این تحوّل یک تغییر تاکتیکی بوده و یا یک تحوّل راهبردی بنیادین در ماهیت روابط دو کشور ارزیابی می‌شود؟ به هر حال، تاکنون بسیاری از محدودیت‌های موجود در عرصه‌های غیرراهبردی نظیر تجارت، محیط

تمایل روزافزون ترک‌ها در مورد تسلیحات کشتار جمعی و دفاع موشکی به تدریج مانعی در اجرای برخی سیاست‌های امنیتی این کشور شده است. تروریسم، دیگر موضوع فراملی بوده است که تأثیر مهمی بر دیدگاه‌های امنیتی ترکیه داشته است. بسیاری از مشاوران، مقامات رسمی و نیز برخی از نخبگان، دولت آنکارا را برای مشارکت فعال در مبارزه با تروریسم تشویق کرده‌اند. البته این موضوع، منجر به بروز مسائلی در روابط آنکارا با واشنگتن و برخی همسایگان و گروه‌ها در ترکیه شده است.

انرژی نیز به مثابه یک عامل مهم بر سیاست ترکیه تأثیر گذاشته به نحوی که نیازهای فزاینده این کشور در زمینه فوق، باعث تقویت روابط آنکارا با کشورهای تولیدکننده نفت در خاورمیانه و دریای خزر شده است. از سوی دیگر، حمایت فراوان ترک‌ها از خطوط لوله باکو - جیحان یک عنصر

واشنگتن افزایش یافته است. آمریکا، ترکیه را به مثابه کشوری راهبردی، کلیدی و بازیگری توانا می‌نگرد. به علاوه جنگ با تروریسم نیز این اهمیت را مضاعف کرده است، اما باید توجه داشت که دیدگاه‌های ترکیه - آمریکا در برخی مسایل به ویژه در خلیج فارس تفاوت دارد. ترکیه، در مورد سیاست کاخ سفید در قبال عراق این نگرانی را دارد که روند مذکور به ایجاد یک دولت کردی در شمال عراق منجر شود. همچنین ترکیه با خط‌مشی واشنگتن پیرامون ضرورت مسزوی ساختن ایران، همسو و هم نظر نیست؛ چرا که جمهوری اسلامی یک شریک تجاری و یک منبع مناسب تأمین گاز طبیعی برای ترکیه محسوب می‌شود. این اختلاف دیدگاه‌ها مانع از وسعت شراکت راهبردی بین ترکیه و آمریکا شده است.

اساساً، خط‌مشی‌ها و منافع ترکیه به واسطه تعدادی از مسائل و عوامل فرامنطقه‌ای - فراملی شکل می‌گیرند.

مهم در راهبرد این کشور در منطقه خزر و قفقاز می‌باشد. همچنین آنکارا توسعه همکاری با ایران را علی‌رغم مخالفت‌های جدی آمریکا در دستور کار خود قرار داده است. توسعه مسیرهای جدید نفت و گاز برای عرضه منابع انرژی خزر و خاورمیانه به بازارهای جهانی، ترکیه را به عنوان یک مرکز مهم ترانزیت انرژی به خصوص برای اروپا معرفی خواهد کرد.

خط‌مشی‌های ترکیه تحت تأثیر تأکید فزاینده دولت‌های غربی بر حقوق بشر می‌باشد. در این میان، موضوع اکراد تبدیل به منبع تنش در روابط این کشور با اروپاییان به ویژه آلمان شده است. البته، این مسئله بر روابط آنکارا با واشنگتن نیز به خصوص در زمینه همکاری‌های امنیتی و انتقال تسلیحات اثراتی گذاشته است.

این تغییرات، در مقطعی رخ داده که عرصه داخلی در ترکیه، تحولات مهمی را تجربه می‌کند که برخی از آنها بر سیاست امنیتی و خارجی این کشور

اثر گذاشته است. روند گرایش به دموکراسی، فضایی برای زایش و رویش گروه‌ها و نیروهای جدید بسوده است که آنها در برخی موارد دولت را به چالش می‌طلبند. این چالش‌ها که از سوی اصلاح‌گرایان سکولار تا گروه‌های سنتی مطرح می‌شود؛ یک نیروی کلیدی شکل‌دهنده به جامعه و سیاست ترکیه در دهه‌های آینده خواهد بود. با عنایت به رشد جنبش اسلام‌گرایان در سالهای اخیر، گرایش عمده جنبش مذکور، حرکت به سوی دموکراسی اسلامی است که شباهت کمی به مدل احزاب دموکرات مسیحی در اروپا دارد. در عرصه سیاست خارجی، این گروه‌ها در برخورد با جهانی شدن؛ احتیاط بیشتری را رعایت می‌کنند.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد در عرصه سیاست خارجی ترکیه سیاست‌های مذهبی بی‌ش از ناسیونالیسم تأثیر دارند. گرچه ملی‌گرایی از زمان آتاتورک، همواره

داشتند. علاوه بر آن، در شرایط کنونی اسلام‌گرایان و دیگر گروه‌های سیاسی برای خود ایستگاه‌های تلویزیونی تأسیس نموده‌اند که دارای پوشش فرامرزی نیز می‌باشد. در مجموع، باید دانست که نسبت به گذشته افکار عمومی و رسانه‌ها، نقش بیشتری در سیاست خارجی ترکیه ایفا می‌نمایند. هم‌زمان با این تحول، به خصوص با توجه به قدرت‌یابی جامعه بازاری که به مثابه یک نیروی سیاسی در ترکیه ظهور یافته‌اند؛ رشد بخش خصوصی فعال، نقش دولت را تضعیف کرده و قدرت جامعه مدنی را افزایش داده است. اتحادیه‌های تجار و صنعتگران و دیگر مؤسسات نیز به عنوان حامیان اصلاحات مطرح شده‌اند و در طیف گسترده‌ای از مسائل سیاسی - اقتصادی و اجتماعی (به خصوص موضع اکراد) دیدگاه‌ها و خط مشی‌های خاصی را مطرح می‌نمایند.

کارآفرینان، نقش قابل ملاحظه‌ای در توسعه پیوندهای اقتصادی با

عصری کلیدی در سیاست خارجی ترک‌ها بوده است. جنگ خلیج فارس باعث شد که ترکیه (به دلیل حمایت از آمریکا) هزینه‌های فراوان سیاسی - اقتصادی بپردازد. این در حالی است که آنکارا، امتیاز خود را که همان پیوستن به اتحادیه اروپایی بود؛ دریافت نکرده است. همچنین تمایل ترک‌ها مبنی بر مشارکت و درگیری در حوادث بوسنی و چچن، دلیل دیگری در ناکامی ملی‌گرایان در اعمال دیدگاه‌هایشان بوده است. از طرفی بحران‌های اقتصادی فعلی ترکیه و ناخشنودی از نقش نهادهای مالی بین‌المللی، احساسات ملی‌گرایان را تحریک کرده است.

از دیگر روندهای مهم داخلی ترکیه که بر سیاست خارجی این کشور اثرگذار است؛ افزایش نفوذ رسانه‌های مستقل به خصوص تلویزیون می‌باشد. رسانه‌ها، نقش مهمی در برخی بحران‌ها نظیر درگیری ترکیه و یونان در سال ۱۹۹۶ و بحران اول چچن

روسیه، آسیای مرکزی و خاورمیانه داشته و در آشتی اخیر آنکارا - آتن پیش قراول بودند.

نتیجه‌گیری

نظامیان به طور سنتی به خود به عنوان نگهبان میراث آتاتورک نگاه می‌کردند. این نگاه منجر به انجام سه کودتای نظامی شده است (البته بعد از مدت کوتاهی نظامیان دوباره قدرت را واگذار نموده‌اند). امروزه، نظامیان ترجیح می‌دهند کمتر به طور مستقیم

در سیاست‌های دولت دخالت کنند. اما به هر حال، باید توجه داشت که آنها یک نیروی سیاسی مهم در فضای سیاسی ترکیه هستند. این نقش آفرینی سیاسی از سوی اعضای اتحادیه اروپایی با دقت و حساسیت دنبال می‌شود. به زعم آنها، این حد دخالت نظامیان با دموکراسی مدرن همخوانی ندارد و آنها این موضوع را به عنوان یکی از دلایل مهم عدم پذیرش ترکیه در اتحادیه قلمداد می‌کنند.

محمود عسگری



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی